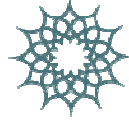


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی

رسالة

دکترای علوم سیاسی

گرایش «اندیشه سیاسی اسلام»

بررسی تطبیقی دو الگوی «حکومت دینی»:

«تئوکراسی» و «خلافت اسلامی»

استاد راهنما:

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی

اساتید مشاور:

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر داود مهدوی‌زادگان

دکتر فرج‌الله علی‌قنبری

پژوهش‌گر:

ذبیح‌الله نعیمیان

مهر ۱۳۹۲ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

تقدیم به ساحت سراسر برکت امام زمان مهدی موعود که خدایش ظهور او را نزدیک‌تر کند و دعای خیرش را مشمول ما گرداند.

تقدیم به روح پر فتوح امام خمینی قدس سره.

تقدیم به مقام معظم رهبری حفظه الله.

تقدیم به آیت الله مصباح یزدی حفظه الله.

تشکر

سپاس و تشکر وافر خود را به اساتید گرانقدر راهنما و مشاور:

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی،

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر داود مهدوی‌زادگان،

دکتر فرج‌الله علی‌قنبری،

و استاد گرانقدر دکتر موسی نجفی، تقدیم می‌دارم.

چکیده

دو الگوی تئوکراسی مسیحی و خلافت اسلامی برخوردار از اشتراک‌ها و تفاوت‌های متنوعی برخوردار شده‌اند که عبارتند از:

الف. وجوه اشتراک دو الگوی خلافت و تئوکراسی

۱. خاستگاه غیر دینی و عرفی: به رغم ارائه برخی تفاسیر دینی یا شبه دینی، دو الگوی خلافت و تئوکراسی برآمده از خاستگاه دینی نبوده‌اند و تلاش‌های عملی و نظری برای پشتیبانی از این دو الگو، تراز آنها را حداکثر در حد دو الگوی شبه دینی و متکی بر انجایی از تلقی‌های عرفی گرایانه از دین تعریف کرده است.
۲. تاریخ‌مندی فرایند تکوین و تعریف الگو: زمینه‌های تاریخی، سوگیری و نحوه بروز و ظهور این دو را دستخوش تأثیرات مهمی کرده‌اند. چنان‌که، مناسبات خلفا و پاپ‌ها با دیگر قدرت‌ها در تعریف مناسبات مزبور مؤثر بوده و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آنها را به صورت تاریخ‌مند تعریف کرده‌اند. اقتدار و فرجام هر دو در همین فرایند تاریخی رقم خورده‌اند.

ب. وجوه افتراق دو الگوی خلافت و تئوکراسی

۱. تفاوت در «جهت‌گیری سیر فرایندی»: سیر فرایندی که دو الگوی خلافت و تئوکراسی طی کرده‌اند، یکسان نبوده است. چه آن‌که تفوق‌طلبی مسیحیت کاتولیک به تدریج به ارتقای جایگاه کلیسا انجامیده است. اما خلافت از این جهت، سیری نزولی یافته است.

فرایند تکوین تفوق‌طلبی مزبور در کلیسا را می‌توان در مرحله‌بندی زیر توصیف کرد:

- یک. مرحله تفوق قیصری (امپراتور به مثابه «رأس کلیسا»);
- دو. مرحله توازن و عدم تفوق (تفکیک «شأن مذهبی کلیسا» از «شأن سیاسی امپراتور» یا الگوی دو شمشیر);
- سه. مرحله تفوق نسبی پاپی (تئوکراسی مسیحی);

چهار. مرحله «شکست دخالت سیاسی کلیسا و حذف تدریجی آن».

سیر خلافت بر عکس فرایند مزبور بوده است و فرایندی تنزلی را طی کرده است:

یک. تفوق «خلیفه» بر «زمام‌داران»;

دو. تنزل «هویت شبه دینی خلافت» به «شبه سلطنت موروثی»;

سه. تکوین «سلطنت در قلمرو سرزمینی خلافت» و تنزل «تفوق سیاسی خلافت»;

چهار. زوال «استقلال سیاسی خلافت»;

پنج. تلاش برای «احیای استقلال سیاسی خلافت»؛
شش. سقوط «خلافت».

۲. تفاوت در «سازوکار دست‌یابی به قدرت»: در کلیسای کاتولیک به تدریج، شورای کاردینال‌ها مسؤولیت تعیین پاپ را از طریق انتخاب بر عهده داشتند. گو آن‌که، برخی پاپ‌ها با اعمال نفوذ برخی حاکمان یا با ترفندهای دیگری کرسی پاپی را به دست آورده باشند. اما سازوکار دست‌یابی خلفاً عمدتاً غیرانتخابی است و شیوه ولایتعهدی رویه اصلی محسوب می‌شده است. اما برخی شرایط سیاسی زمینه را برای سازوکارهای دیگری چون زور و تغلب، نصب و در مواردی نیز انتخاب مهیا کرده است.

۳. تفاوت در «قلمرو و دایره اقتدار»: خلافت از آغازین روز تکوین خود، هم وظیفه اداره جامعه و هم وظیفه تطبیق فرامین شرع در عرصه جامعه دینی را بر دوش خود می‌دید. اما مسیحیت تاریخی وظیفه اداره دنیا را حتی در دوران حاکمیت تئوکراسی تفوق‌طلبی و اقتدارگرایی مزبور، بر دوش کشیشان نمی‌نهاد.

۴. تفاوت در «مناسبات قدرت میان عالمان و زمامداران سیاسی»: عالمان سنی خود را برخوردار از هیچ‌گونه ولایت سیاسی جز از جانب زمامدار حاکم نمی‌بینند و از این رو، تلاشی برای ارتقای جایگاه عالمان دینی و تفوق‌یابی نسبت به حاکمان و زمامداران نشان نداده‌اند. اما ارباب کلیسای کاتولیک به مثابه عالمان مسیحیت تلاش کرده‌اند اقتدار خود را فراتر از اقتدار زمامداران دنیوی قرار دهند.

۵. تفاوت در «فرجام و امکان بازآفرینی»: دو الگوی مزبور به صورت جدی شکست خوردند و از عرصه نقش‌آفرینی سیاسی خارج شدند. اما استعداد و ظرفیت این دو الگو برای احیا را نمی‌توان یکسان دانست. چه آن‌که، الگوی خلافت اسلامی به خاطر دغدغه مشارکت خلافت در جامعه سیاسی و فرایند اداره امور و نیز به خاطر برخورداری از پیشینه عملی و نظری زیاد برای ورود به عرصه انتخاب و فعالیت‌های دموکراتیک، از امکان نظری و عینی بیشتری برای بازآفرینی و بازتفسیرهای دموکراتیک برخوردار است.

کلیات تحقیق	ق
بخش اول: عینیت تاریخی «تئو کراسی»	۱
فصل اول: سابقه تاریخی و نظری «حکومت دینی در یهودیت تا دوران مسیحیت»	۳
فصل دوم: خاستگاه و ادوار تاریخی «تئو کراسی» در دوران «مسیحیت»	۳۴
بخش دوم: عینیت تاریخی «خلافت اسلامی»	۹۱
فصل سوم: تاریخ و ادوار «خلافت موسوم به اسلامی»	۹۴
بخش سوم: مقایسه «تئو کراسی» و «خلافت اسلامی»؛ «فرایند تکوین و تحوّل» و «خاستگاه تأمین مشروعیت»	۲۱۴
فصل چهارم: فرایند تکوین و تحوّل دو الگوی «تئو کراسی» و «خلافت اسلامی»	۲۱۷
فصل پنجم: خاستگاه «تأمین مشروعیت» در دو الگوی «تئو کراسی» و «خلافت اسلامی»	۳۰۷
نتیجه گیری	۳۴۹
منابع	۳۵۸

فهرست تفصیلی

- ج. تقدیم
خ. تشکر
ذ. چکیده

کلیات تحقیق

- الف. بیان مسأله
ب. اهمیت و ضرورت تحقیق
ج. قلمرو پژوهش
د. سؤال‌های اصلی و فرعی
ه. فرضیه‌های پژوهش
و. پیشینه تحقیق
۱. برخی پژوهش‌های معطوف به «تئوکراسی»
۲. برخی پژوهش‌های معطوف به «خلافت اسلامی»
و. اهداف پژوهش
ز. نوآوری پژوهش
ح. روش‌شناسی
و. مفهوم‌شناسی
۱. تئوکراسی (Theocracy)
۲. خلافت اسلامی
۳. الگو
۴. مسیحیت تاریخی
۵. مسیحیت رسمی
۶. عینیت تاریخی
۷. اقتدارگرایی

بخش اول: عینیت تاریخی «تئوکراسی»

- فصل اول: سابقه تاریخی و نظری «حکومت دینی در یهودیت تا دوران مسیحیت»
درآمد

- الف. الگوی تکوین دولت در تاریخ یهودیت ۴
۱. الگوی تکوین دولت در دوران داوران ۵
 ۲. الگوهای تکوین دولت در دوران ملوک ۱۰
 - ۲.۱. حکومت‌های الهی (پادشاهی منصوب از طرف خداوند) ۱۰
 - ۲.۲. حکومت‌های ارثی ۱۲
 - ۲.۳. حکومت‌های منتخب مردم یا نخبگان غیردینی ۱۵
 - ۲.۴. حکومت‌های متغلبانه ۱۷
 ۳. الگوی تکوین دولت در دوران اسارت و بازگشت (الگوی دست‌نشانده‌گی سیاسی) ۱۸
 - ۳.۱. حکومت‌های دست‌نشانده یهودی در دوران اسارت بابل ۱۸
 - ۳.۲. حکومت‌های دست‌نشانده یهودی در دوران سلطه ایران ۱۹
 ۴. مجمع نیمه‌سیاسی سنهدرین در دوران پیشامسیحیت ۲۱
 ۵. الگوی دولت پادشاهی در سلسله مکابیان ۲۴
- ب. بنیاد دینی یهودیت در تکوین دولت ۲۵
۱. دخالت و فاعلیت سیاسی - تکوینی خدا ۲۶
 ۲. ماهیت پادشاهی در عهد عتیق ۲۷
 ۳. لزوم اطاعت از پادشاه ۲۹
- جمع‌بندی ۳۰
- فصل دوم: خاستگاه و ادوار تاریخی «تئوکراسی» در دوران «مسیحیت» ۳۴
- درآمد ۳۵
- الف. زمینه‌های عینی و نظری تئوکراسی مسیحی ۳۵
۱. دوران تکوین مسیحیت ۳۶
 ۲. دوران تمهید برای قدرت معنوی (از عروج مسیح(ع) تا رسمیت مسیحیت) ۳۶
 ۳. دوران تکوین قدرت دینی - سیاسی (از رسمیت مسیحیت تا تجزیه امپراتوری روم) ۳۹
 ۴. دوران مسابقه قدرت دینی و قدرت سیاسی (از تجزیه امپراتوری روم تا هم‌پیمانی کلیسا با شاهان فرانک) ۴۱
- ب. از تکوین «الگوی تئوکراسی» تا «اقتدارگرایی پاپ در بستر جنگ‌طلبی پاپی - صلیبی» ۴۸
۱. دوران «هم‌پیمانی سیاسی» و بنیادگذاری «سنت خلعت پوشان» ۴۹
 ۲. دوران «پیروزی نمادین کلیسا» تا «تبدیل امپراتور مقدس به وکیل کلیسا» ۵۲
 - ۲.۱. جعل «فرامین ایسود» توسط «کلیسا» ۵۲
 - ۲.۲. «اصلاحات استقلال‌جویانه کلیسا» ۵۳
 - یک. حق استخدام روحانیون در کارهای دولتی و ارجاع امور حکومتی به آنان (= رگالیا) ۵۳
 - دو. خرید و فروش مناصب مذهبی (= سیمونی) ۵۴
 - سه. حق انتصاب کشیشان عالی رتبه توسط شاه و امپراتور (= انوستی تور) ۵۵
 - چهار. انتخاب پاپ ۵۶
 ۳. «تکوین جنگ صلیبی - پاپی» ۶۰

۳۱. ایجاد «شوالیه‌های پطرس قدیس»؛ آغازین «زمینه‌های جنگ‌های صلیبی» ۶۱
۳۲. آغازین «نعمه جنگ صلیبی» ۶۲
۳۳. از «تنزل امپراتور به بخشی از کلیسا» تا «برتری ریاست پاپ» ۶۴
- ج. تکوین «جنگ صلیبی - پادشاهی»؛ آغازی بر «زوال تفوق پاپی» ۶۸
- د. دوره چالش «تفوق طلبی پاپ» و «تفوق پادشاهی» ۷۰
- ه. از دوران «چالش تفوق طلبی پاپی با تفوق طلبی شورای کاردینال‌ها» تا «سقوط رم و شکاف مذهبی» ۷۲
۱. از «انتقال کلیسای پاپی» تا «بحران تعدد پاپ‌ها» ۷۳
۲. از «انحطاط کلیسای پاپی» تا «سقوط رم» و «پایان اقتدار دنیوی» ۷۴
۳. دوران «شکاف مذهبی» و «تکوین نهضت پروتستانتیسم» ۸۶
- جمع بندی ۸۷

بخش دوم: عینیت تاریخی «خلافت اسلامی» ۹۱

- فصل سوم: تاریخ و ادوار «خلافت موسوم به اسلامی» ۹۴
- الف. دوران تکوین و استقرار «خلافت اولیه» (۱۱-۴۱ق) ۹۵
۱. نحوه «دستیابی به کرسی خلافت» و «فرجام خلفای اولیه» ۹۵
۲. رقابت «مهاجران و انصار» در «آوردگاه سقیفه» ۹۸
- ۲.۱. مواضع انصار ۹۹
- ۲.۲. مواضع مهاجران ۱۰۰
- ۲.۳. نحوه تصمیم‌گیری نهایی ۱۰۲
- ۲.۴. برخی مواضع صحابه ۱۰۴
- یک. برخی مواضع عمر ۱۰۴
- دو. موضع عباس عمومی پیامبر(ص) ۱۰۵
- سه. حمایت از امیر مؤمنان علی(ع) در سقیفه ۱۰۶
- چهار. عدم بیعت سعد بن عباده ۱۰۷
- پنج. موضع بنی‌هاشم ۱۰۸
- شش. موضع ابوسفیان ۱۰۸
- ب. دوران «خلافت اموی» (۴۱-۱۳۲ق) ۱۰۹
۱. نحوه «دستیابی به کرسی خلافت» و «فرجام خلفا» ۱۱۰
۲. نفرت‌انگیزی «دین‌ستیزی» و «خشونت اموی - مروانی» ۱۱۸
۳. انحراف‌های خلافت و تلاش‌های «بصیرت‌آفرین» اهل بیت(ع) ۱۱۹
۴. چالش‌های خونین «شیعیان و علویان» با «خلافت اموی - مروانی» ۱۲۱
۵. مرزبندی «اهل بیت(ع)» و «شیعیان اصیل» با «مبارزات غیر اصیل» ۱۲۳
- ج. دوران «خلافت عباسی» (۱۳۲-۶۵۶ق) ۱۲۵
۱. دوران «خلافت متمرکز و یکپارچه» (۱۳۲-۱۹۳ق) ۱۲۷

- ۱.۱. نحوه «دستیابی به کرسی خلافت» و «فرجام خلفا» ۱۲۸.
- ۱.۲. بهره‌جویی «عباسیان» از «فداست اهل بیت(ع)» ۱۳۰.
- ۱.۳. نزاع «کیسانی - عباسی» بر کیفیت «توارث خلافت» ۱۳۲.
- ۱.۴. تقویت تدریجی «جایگاه اهل بیت(ع)» در «اذهان عمومی» ۱۳۴.
۲. دوران چالش «خلافت»، «سلطه ترکان» و «تکوین حکومت‌های نیمه مستقل» (۱۹۳-۳۲۹ق) ۱۳۶.
- ۲.۱. نحوه «دستیابی به کرسی خلافت» و «فرجام خلفا» ۱۳۸.
- ۲.۲. رقابت امین و مأمون؛ زمینه‌ساز «تضعیف الگوی خلافت» ۱۴۶.
- ۲.۳. ولایتعهدی امام رضا علیه السلام: «فرصتی تاریخی» برای سنجش «خلافت» در ترازوی «امامت» ۱۴۷.
- ۲.۴. تضعیف «برخی تعصبات اموی» علیه «اهل بیت(ع)» ۱۵۵.
- ۲.۵. احساس خطر از «منزلت دینی - سیاسی اهل بیت(ع)» و افزایش «تضییقات سیاسی» ۱۵۶.
- ۲.۶. احیای «رقابت نظامی» بر سر «خلافت» ۱۶۰.
- ۲.۷. دخالت «ترکان» در «رقابت بر امر خلافت» ۱۶۱.
۳. دوران «خلافت تشریفاتی - نمادین» و محوریت «سلطنت‌های مستقل» (۳۲۹-۵۴۷ق) ۱۶۶.
- ۳.۱. نحوه «دستیابی به کرسی خلافت» و «فرجام خلفا» ۱۶۷.
- ۳.۲. نحوه «موازنه قدرت» میان «ترکان، آل بویه و خلیفه عباسی» ۱۷۴.
- ۳.۳. امتیازگیری‌های «آل بویه» ۱۷۶.
- ۳.۴. زوال «آل بویه» و غلبه «سلجوقیان»؛ آغاز «مناسبات نوین» ۱۷۸.
- ۴.۴. بازتاب «مناسبات خلیفه - سلطان» در «اندیشه‌ورزی‌های علما» ۱۸۰.
۴. دوران «بازیابی استقلال نسبی در خلافت» (۵۴۷-۶۵۶ق) ۱۸۵.
- ۴.۱. نحوه «دستیابی به کرسی خلافت» و «فرجام خلفا» ۱۸۵.
- ۴.۲. تغییر مناسبات «سلطان - خلیفه» ۱۸۸.
- یک. مناسبات سلطان مسعود و مقتدی لامر الله ۱۸۸.
- دو. مناسبات سلطان - خلیفه در دوران ناصر لدین الله ۱۸۹.
- ۴.۳. انقراض «دولت علویان مصر» و توسعه «خلافت عباسی» ۱۹۰.
- ۴.۴. هجوم «مغول» و زوال «خلافت عباسی» ۱۹۱.
- د. زوال «خلافت عباسی»؛ «تقلیل / انتقال آن به «شبه خلافت» در «مصر» ۱۹۲.
- جمع‌بندی ۱۹۵.
- الف. چهره «خلافت اولیه» ۱۹۶.
- ب. چهره «خلافت اموی» ۱۹۶.
- ج. چهره «خلافت عباسی» ۱۹۷.
- د. فراز و فرود «مناسبات قدرت» ۲۰۳.
- ه. نقش آفرینی اهل بیت(ع) در توازی «چالش‌های مذهبی» و «جهت‌گیری‌های دستگاه خلافت» ۲۰۵.
- و. نقش «الگوی سلطنت» در عبور از «الگوی خلافت» ۲۰۹.
- ز. نقش «افزایش تدریجی محبت اهل بیت(ع)» در «عبور از الگوی خلافت» ۲۱۱.

بخش سوم: مقایسه «تئوکراسی» و «خلافت اسلامی»؛ «فرایند تکوین و تحوّل» و «خاستگاه تأمین مشروعیت»	۲۱۴
فصل چهارم: فرایند تکوین و تحوّل دو الگوی «تئوکراسی» و «خلافت اسلامی»	۲۱۷
درآمد	۲۱۸
الف. تکوین و تحوّل تدریجی «الگوی تئوکراسی»	۲۱۸
۱. ارتقای تدریجی سیاست‌زدگی در «مسیحیت تاریخی»	۲۱۸
۲. تأثیر «بستر تحولات تاریخی» در «جایگاه کلیسای پاپی»	۲۲۲
۲.۱. بازنمود «خشونت‌های بربری» در «مسیحیت صلیبی»	۲۲۲
۲.۲. بازنمود «فرهنگ بربری» در «بدعت‌ستیزی صلیبی»	۲۲۵
۲.۳. آغاز «رقابت پادشاهی‌های فرانسه و انگلیس» در کسب «پادشاهی مقدّس»	۲۲۶
۲.۴. تشکیل «امپراتوری مقدّس روم مِلّت آلمان»	۲۲۸
۲.۵. تقویت «جایگاه کلیسا» در دوران «تکوین پادشاهی‌های فنودالی»	۲۳۱
۲.۶. تمایل «کلیسای پاپی» برای «احیاء سلطه بر کلیسای ارتدکس»	۲۳۲
۲.۷. انحطاط «کلیسای پاپی» در رقابت سلطه‌جویانه «فرانسه، ایتالیا و اسپانیا»	۲۳۴
۳. تعریف تدریجی «الگوها و کارکرد نهادهای دینی - سیاسی»	۲۳۹
۴. تعریف تدریجی «کارکردهای سیاسی تئوکراسی»	۲۴۳
۴.۱. «مشروعیت‌بخشی دینی» به «حاکمیت سیاسی»	۲۴۳
۴.۲. «نظارت فائقه» بر «عملکرد حاکمان سیاسی»	۲۴۳
ب. «تکوین و تحوّل تدریجی «الگوی خلافت»	۲۴۵
۱. ارتقای تدریجی سیاست‌زدگی در «خلافت تاریخی»	۲۴۵
۲. اقتضای «تکوین تدریجی الگوی خلافت»	۲۴۷
۳. «تحوّلات سیاسی - اجتماعی» در «پایگاه قدرت و اقتدار خلافت»	۲۴۸
۳.۱. فراز و فرود «کارآمدی و جایگاه سیاسی خلافت» در «ذهنیت عمومی»	۲۴۹
۳.۲. کاهش تدریجی «اقتدار خلافت» و افزایش «اقتدار امرا و سلاطین»	۲۵۰
۳.۳. فراز و فرود «استقلال و توانمندی نظامی خلفا»	۲۵۱
۳.۴. افزایش «تمایلات شیعی» در فراز و فرود «تمایلات و احساسات مذهبی»	۲۵۲
۳.۵. ایجاد «نسبت‌های مصلحت‌آمیز فامیلی»	۲۵۴
۳.۶. بهره‌گیری از «محبوبیت و نفوذ آیین فتوت»	۲۵۵
۴. «تحوّلات ماهوی - تاریخی» در «الگوی خلافت اسلامی»	۲۵۸
۴.۱. توسعه «سیاست عرفی گرایانه»	۲۶۰
۴.۲. دو «تلقی شرق‌شناسانه» از «عرفی شدن سیاست در الگوی خلافت»	۲۶۳
یک. نظریه «زوال استقلال شریعت» در فرایند «ارتقای سلطه خلافت»	۲۶۳
دو. نظریه «حفظ استقلال شریعت» در فرایند «ارتقای سلطه خلافت»	۲۶۵
۴.۳. افزایش «قداست حاکم»، کاهش «ظواهر و شعائر دینی» و تظاهر رسمی به «شریعت‌گریزی و شریعت‌ستیزی»	۲۶۸
۵. «تحوّلات مبنایی - روشی» در «دستیابی به کرسی خلافت»	۲۶۹

- ۵.۱. انحای «دستیابی به کرسی خلافت» ۲۷۰
- ۵.۲. تعریف «سازوکارهای دست‌یابی خلیفه به قدرت» در پرتو «فرهنگ دوگانه جاهلی - قبیله‌گرایی» ۲۷۱
- یک. «تمرکزگرایی نسبی» در «تصمیم‌گیری درون - قبیله‌ای» پیش از «اسلام» ۲۷۳
۱. زمینه‌های درونی «تمرکز - پراکندگی» در «نظام قبیله‌ای» ۲۷۳
۲. اقتضای «مناسبات بین‌قبایل» در «صورت‌بندی نظام تصمیم‌گیری» ۲۷۴
۳. تمرکزگرایی نسبی؛ برآیند ترکیب «تمرکزگرایی با تکثرگرایی» در «نظام تصمیم‌گیری قبیله‌ای» ۲۷۵
- دو. تضعیف «تمرکزگرایی قبیله‌ای» در «عصر رسالت» ۲۷۶
- سه. بازتجلی «فرهنگ دوگانه جاهلی - قبیله‌گرایی» در «تعریف سازوکارهای دستیابی به خلافت» ۲۷۷
- چهار. بازتعریف «ویژگی‌های خلیفه برای تسهیل دستیابی به خلافت» ۲۸۰
- ۵.۳. «تحولات تاریخی»؛ مقتضی «تنوع و تغییرپذیری مناسبات قدرت» ۲۸۳
- یک. اقتضای «رقابت دوگانه در بدو رحلت پیامبر(ص)» ۲۸۳
- دو. اقتضات «انحصارگرایی خلافت شبه دینی» پس از «خلیفه اول» ۲۸۵
- سه. «پیدایش الگوی وراثتی»؛ نمود تحول «ماهوی خلافت» در چارچوب «مناسبات متغیر قدرت» ۲۸۷
۶. «تحولات تدبیری - ساختاری» در «دستگاه خلافت اسلامی» ۲۸۹
- ۶.۱. دایره «تدابیر جمع‌گرایانه» در الگوی «خلافت اولیه» ۲۹۰
- ۶.۲. تنگ‌تر شدن تدریجی «دایره تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران» پس از «خلافت اولیه» ۲۹۱
- ۶.۳. توسعه عرفی گرایانه «اختیارات خلیفه» ۲۹۲
- ۶.۴. توسعه «سازوکار تصمیم‌گیری و تدبیر تفویضی» ۲۹۳
- ۶.۵. کاهش «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی خلیفه یا دستگاه خلافت» ۲۹۴
۷. بستر «تنوع‌پذیری خلافت اسلامی» ۲۹۵
- ۷.۱. تأثیر «تجربه‌های پیشین» در «مواجهه با آموزه‌های اسلامی» ۲۹۶
- ۷.۲. تأثیر «تفاوت تلقی‌های دینی» در کیفیت «جهت‌مندی فرهنگی - سیاسی» ۲۹۶
- ۷.۳. مناسبات «فرهنگ و نظام‌های سیاسی» با «اقالیم جدید تمدنی» ۲۹۷
- ۷.۴. تأثیر «فرهنگ عمومی» بر «کیفیت‌پذیرش آموزه‌ها و نظام دینی» ۲۹۸
- ۷.۵. تأثیر «مناسبات و شرایط پیشین اجتماعی» در «تعامل با اسلام و مسلمانان» ۲۹۸
- ۷.۶. خاستگاه «دوپارگی و چندپارگی خلافت اسلامی» ۲۹۸
- ۳۰۰ جمع‌بندی
- فصل پنجم: خاستگاه «تأمین مشروعیت» در دو الگوی «تئوکراسی» و «خلافت اسلامی» ۳۰۷
- درآمد ۳۰۸
- الف. مبانی و مؤلفه‌های «تأمین مشروعیت» در «الگوی تئوکراسی» ۳۰۸
۱. انحا و منابع «تأمین مشروعیت» برای «الگوی تئوکراسی» ۳۰۹
- ۱.۱. تجلی «نیازهای نوین به تفاسیر توجیه‌گرایانه» در «تکوین تدریجی تئوکراسی» ۳۰۹
- ۱.۲. ظهور تدریجی «رویکرد گزینشی - جعلی» نسبت به «نصوص توجیه‌گرایانه» ۳۱۲
۲. مبانی وابستگی «مشروعیت سیاسی» به «مشروعیت دینی» در «تئوکراسی» ۳۱۴
- ۲.۱. «جانیشینی پطرس» و «نمایندگی پاپ از جانب خدا» ۳۱۴
- ۲.۲. آموزه «خطانپذیری پاپ» ۳۱۶

۲۳۳. مصونیت دینی - سیاسی «پاپ»؛ زمینه‌ساز «اقتدار گرایی پاپ»..... ۳۲۱
۲۳۴. تفوق پاپی؛ نابرابری حقوقی «پاپ و آباء کلیسا»..... ۳۲۲
- ب. مبانی و مؤلفه‌های «تأمین مشروعیت» در «الگوی خلافت اسلامی»..... ۳۲۳**
۱. الگوی «تأمین مشروعیت» در «نظام خلافت اسلامی»..... ۳۲۵
- ۱-۱. «تلقی زمینی و عرفی» از «منصب خلافت»..... ۳۲۵
- یک. عدم باور به «عصمت خلیفه»..... ۳۲۵
- دو. عدم باور به «برخورداری خلیفه» از «علم لدنی»..... ۳۲۶
- ۱-۲. ادعای «استمرار رسالت الهی و دینی» در الگوی «خلافت»..... ۳۲۶
۲. مبانی توجیه‌گر «سیاست و خلافت»..... ۳۲۸
- ۲-۱. سویه‌های «توجیه سیاست و خلافت»..... ۳۲۸
- ۲-۲. «توجیه خلافت» با ادعای توأمان «واگذاری امر خلافت به مردم» و «انکار وصایت»..... ۳۳۰
- ۲-۳. «توجیه خلافت» با «جعل نصوص جهت‌دار»..... ۳۳۰
- ۲-۴. «توجیه خلافت» با «نصوص گزینشی»..... ۳۳۱
- ۲-۵. «توجیه خلافت» با تغییر «اوصاف حاکم»..... ۳۳۲
- ۲-۶. تکوین جهت‌دار «دانش‌های اسلامی»..... ۳۳۲
- ۲-۷. مفاهیم و مبانی «توجیه‌گر خلافت و اقدامات سیاسی»..... ۳۳۴
۳. طراز «تأمین مشروعیت» در «الگوی خلافت»..... ۳۳۶
- ۳-۱. ابعاد «توان‌سنجی شبه قرارداد سقیفه» در تأمین «شرایط مشروعیت آفرینی»..... ۳۳۶
- ۳-۲. میزان توانمندی در تأمین «شرایط امکان عقلی - فلسفی»..... ۳۳۷
- ۳-۳. میزان تحقق‌پذیری «شرایط امکان وقوعی»..... ۳۳۸
- ۳-۴. میزان توانمندی در تأمین «استناد شرعی»..... ۳۴۱
- جمع‌بندی..... ۳۴۴
- نتیجه‌گیری..... ۳۴۹**
- منابع..... ۳۵۸

كليات تحقيق

الف. بیان مسأله

همواره مقایسه‌ الگوهای نظام سیاسی یکی از بحث‌های نظری جالب در اندیشه سیاسی است که می‌تواند تجربیات تاریخی مختلف را به بازخوانی گذارد. در این میان، مقایسه دو الگوی تاریخی تئوکراسی و خلافت اسلامی می‌تواند درس آموز باشد.

تاریخ دینی مسیحیت، تصویرگر نوع خاصی از تاریخ سیاسی است. چه آن‌که، افزون بر آن‌که، نوعی تکیه دینی - تاریخی بر الگو یا الگوهای دینی - تاریخی یهودی دارد، هم تکوین مسیحیت نوعی مبارزه دینی - سیاسی را رقم زد و هم، حیات دینی مسیحیت به صورت خاصی، به حیات سیاسی گره خورد یا حتی به حیات سیاسی تبدیل شد.

بخشی از حیات دینی - سیاسی مسیحیت، توانست نوعی از دولت دینی را تأسیس کند که تلاش‌های سیاسی پس از آن، با آن تجربه تاریخی گره خورده است. چنان‌که، این تجربه بر تجربه‌های نظری و عملی یهودی پیش از تکوین مسیحیت نیز تکیه دارد. از این رو، بررسی پیشینه، زمینه، محتوا و ساختار سیاسی دولت دینی مسیحیت اهمیت درخوری دارد.

تاریخ اسلام نیز تجربه‌های مختلفی از سیاست‌ورزی عملی را پشت سر نهاده است و این تجربه از صدر اسلام آغاز شده و تا به امروز امتداد یافته است. در این میان، الگوی خلافت اسلامی طولانی‌ترین الگویی است که در تمدن اسلامی تجربه شده و مورد تأملات تاریخی - سیاسی و نظری گوناگونی قرار گرفته است. گرچه این الگوی تاریخی در سده اخیر در اثر چالش با استعمار زوال یافته است. اما بازاندیشی و حتی تلاش‌های احیاگرانه نسبت به این الگوی دینی - سیاسی درباره آن، به رغم فتور تاریخی زوال نیافته است. در هر حال، بررسی تطبیقی دو الگوی خلافت اسلامی و تئوکراسی مسیحی چه بسا بتواند تأملات نوینی را در بازمفهمی الگوی حکومت دینی زمینه‌سازی کند.

ب. اهمیت و ضرورت تحقیق

مقایسه این دو تجربه دینی - سیاسی، می‌تواند از جهات مختلفی اهمیت داشته باشد:

۱. وصف دینی بودن این دو الگو، نخستین نقطه شروع برای توجه تطبیقی به آنهاست. این وصف می‌تواند زمینه صورت‌بندی‌های خاصی در تاریخ شده باشد. چنان‌که، تأملات نظری خاصی را به خود معطوف کرده و توجیه دینی خاصی را طلب کرده است.

۲. گرچه در دنیای امروز، الگوهای دینی از عرصه سیاست تا اندازه زیادی غایب شده‌اند. اما چنان نیست که هیچ زمینه‌ای برای بازگشت صورت‌بندی‌های نوینی از الگوهای دینی وجود نداشته باشد. چنان‌که، در دنیای اسلام گروه‌های فراوانی در تلاش برای احیای صورت‌بندی‌های مناسبی از نظام‌های سیاسی با ماهیت دینی - و از جمله در الگوی خلافت اسلامی - هستند. اما حاکمیت اندیشه‌های مدرنی که الگوی دینی برای نظام سیاسی را مربوط به عصر ایمان یا عصر ظلمت می‌داند، باعث می‌شود تا برخی اندیشمندان معاصر این الگوها را با الگوی تئوکراسی مسیحی همسان‌انگاری کرده و آنها را مربوط به زمانه‌ها و زمینه‌های پیشامدرن بدانند.

۳. بررسی الگوی پیشامدرنی چون تئوکراسی از این جهت اهمیت دارد که بستری برای تکوین الگوهای و نظریه‌های نوین در دنیای غرب باشد. چنان‌که، الگوی خلافت اسلامی که تا یک سده پیش حاکمیت داشت، نمی‌تواند به آسانی و بی‌دغدغه مورد فراموشی جهان اسلام - هرچند در جهان تشیع - قرار گیرد. در این میان، وجود برخی از تلقی‌های همسان‌انگارانه از الگوی تئوکراسی و دیگر الگوهای دینی و از جمله خلافت اسلامی در جهان اسلام، موجب می‌شود تا ورود به بررسی تطبیقی میان تئوکراسی و خلافت اسلامی ضرورت یابد. به ویژه آن‌که، گذر غرب از تئوکراسی به الگوهای نوین، تنها مسیر حتمی و گریزناپذیر برای بسیاری از مسلمانان تجددگرا شده است. این مسأله، بدان معناست که بررسی تطبیقی این دو الگو می‌تواند تفاوت بستر تمدنی با چهره‌های دینی و سیاسی میان دنیای اسلام و غرب را نمایان کند.

۴. الگوهای سیاسی - دینی در دنیای تشیع کاملاً برکنار و بی‌نسبت با خلافت اسلامی نبوده است. چنان‌که، تلقی‌های انتقادی نسبت به نظام‌های شیعی نیز برکنار از نگاه سلبی به تئوکراسی و همسان‌انگاری میان آنها نیست. این مسأله، بدان معناست که بررسی تطبیقی تئوکراسی مسیحی و خلافت اسلامی، می‌تواند به صورت غیرمستقیم، روشن‌کننده این مطلب باشد که آیا دو الگوی مذکور نقشی در زمینه‌سازی نظری و عملی در تکوین نظریه‌های شیعی داشته‌اند؟ یا آن‌که، تا چه اندازه می‌توانند از جهت تجربه نظری و تاریخی خود، الهام‌بخش یک الگوی دینی - سیاسی باشند؟

۵. در مجموع، از آن‌جا که الگوی تئوکراسی مسیحی هم‌چنان به عنوان معیاری سلبی در زمان حاضر وجود دارد. بنابراین، تکوین بررسی‌های تطبیقی میان الگوهای اسلامی و مسیحی می‌تواند زمینه‌ساز تأملات امروزی در دنیای اسلام باشد. بی‌آن‌که، تاریخی بودن دو الگوی تئوکراسی مسیحی و خلافت اسلامی، از اهمیت این مسأله بکاهد.

ج. قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی:

قلمرو مکانی بحث حاضر به محدوده تاریخی قلمرو دو دولت تئوکراسی و خلافت اسلامی باز می‌گردد. محدوده خلافت اسلامی به بخشی از جهان اسلام بازمی‌گردد که این الگوی حکومتی در آنجا شکل گرفته و توسعه یافته است. اما بحث از تئوکراسی به لحاظ پشتوانه تاریخی - دینی آن که به تجربه حکومت‌های مختلف دینی - عرفی در فلسطین به عنوان مهد یهودیت و مسیحیت بازمی‌گردد. اما عمدتاً در حوزه قلمرو امپراطوری روم شرقی و کلیسای کاتولیک شکل گرفته و توسعه یافته است.

ب) قلمرو زمانی:

قلمرو زمانی بحث حاضر به مقطع تکوین و حیات دو الگوی مزبور بازمی‌گردد. تکوین الگوی خلافت اسلامی به پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) باز می‌گردد و می‌توان پایان آن - یا دست‌کم پایان عمده‌ترین بخش آن - را سقوط بغداد پایتخت خلافت عباسی در سال ۵۶۵ق توسط مغولان دانست. گو آن‌که، پس از آن نیز برخی حکومت‌ها از جمله حکومت سلطنتی عثمانی نیز - در رقابت با روسیه تزاری - از عنوان مقدس یا شبه مقدس خلافت بهره جستند. در این میان، دولت عثمانی خود را موسوم به خلافت عثمانی کرد. حکومت مزبور تا دوران معاصر استمرار داشته است و پس از جنگ جهانی اول با شکست عثمانی، این دولت نیز زوال یافت. شایان ذکر است که پس از شکست عثمانی و تجزیه آن تأملات نظری - تاریخی درباره خلافت اسلامی و نیز ابراز تمایل برای احیای خلافت اسلامی پایان نیافت. اما در هر حال، تمرکز بحث حاضر بر خلافت تا پایان خلافت عباسیان است.

قلمرو زمانی بحث از تئوکراسی دوران تکوین و حیات آن در سده‌های میانه بازمی‌گردد. می‌توان مجموعه ده سده قرون وسطی را دوران جنینی و تولد، جوانی و پیری الگوی مزبور دانست. چنان‌که، نقطه اوج و موفقیت این الگو در قرن دوازدهم بود. از آنجا که برخی حکومت‌های یهودی، بخشی از استنادهای توجیه‌گرایانه نسبت به این الگو بوده است، باید پیشینه‌های دینی و تاریخی آن را به دوران حکومت‌های یهودی پیش از مسیحیت باز گرداند. به ویژه آن‌که، تاریخ یهودیت جدا از تاریخ مسیحیت نیست و به مثابه پیشینه آیین مسیحیت تلقی می‌شود.

ج) قلمرو موضوعی:

قلمرو موضوعی این بحث مقایسه‌ای به بررسی خاستگاه، تاریخ تکوین و حیات، مبانی نظری، ماهیت و کارکرد دینی - سیاسی و فرجام این دو الگو محدود می‌شود.

د. سؤال‌های اصلی و فرعی

سؤال اصلی:

دو الگوی تئوکراسی مسیحی و خلافت اسلامی از چه نسبت تاریخی، نظری و عینی با یکدیگر برخوردارند؟

سؤال‌های فرعی:

۱. خاستگاه تاریخی و نظری تئوکراسی مسیحی و خلافت اسلامی چیست؟
۲. نسبت تئوکراسی با نظام و اندیشه سیاسی یهودیت پیش از مسیحیت چیست و چه تأثیری در تکوین تئوکراسی داشته است؟
۳. نسبت فضای سیاسی در دوران مسیحی و اسلامی، با تکوین این دو الگو چیست؟
۴. تکوین تئوکراسی مسیحی و خلافت اسلامی در چه بستر تاریخی رخ داده است؟
۵. ماهیت و کارکرد تئوکراسی و خلافت چیست؟ و چه نسبتی با یکدیگر دارند؟
۶. مبانی نظری دو الگوی تئوکراسی و خلافت کدامند؟ و چه نسبتی با یکدیگر دارند؟
۷. تحولات و فرجام تئوکراسی و خلافت اسلامی چگونه رقم خورده است؟

ه. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش در نکات زیر خلاصه شده است:

۱. دو الگوی تئوکراسی و خلافت اسلامی، به عنوان دو الگوی حکومت دینی شناخته شده‌اند. اما به نظر می‌رسد که این دو الگو متکی بر تلقی عرفی گرایانه از دین شکل گرفته‌اند و تکوین هیچ یک از دو نظام سیاسی مزبور به نحو مناسبی بر منابع و نصوص دینی تکیه نداشته است. چنان‌که، هرچند یهودیت و حکومت‌های یهودی به مثابه پشتوانه تاریخی - عینی مسیحیت به شمار می‌روند و این امر در نصوص مورد تأیید مسیحیان یعنی عهد عتیق و دیگر منابع، طرح شده است، اما نصوص عهد عتیق و جدید و دیگر منابع مسیحی نمی‌توانند از عهده مقوله مهم تأمین مشروعیت برای حکومت برآیند. چنان‌که، خلافت اسلامی نیز مورد تأیید نصوص دینی نیست. در مجموع، این هر دو الگوی برآمده از مسیحیت و منابع محدود اسلام، از عرفی‌زدگی به دور هستند.
۲. نیازها و اقتضات تاریخی در تعامل با متون دینی توانسته‌اند از دو الگوی تئوکراسی و خلافت اسلامی به صورت تدریجی طراحی و متناسب با زمینه‌های تاریخی عینیت بخشند.

۳. مؤلفه‌های مربوط به هر کدام از این دو از تناسب خاصی با مؤلفه‌های دیگر برخوردار شده است، اما نتوانسته‌اند از امکان مشروعیت دینی چندان قوی‌ای برخوردار شوند.
۴. این دو الگوی تاریخی عمدتاً به خاطر شکست‌های سیاسی حاکمان از بین رفته و در چالش‌های سیاسی بوده است که دچار زوال شده‌اند. نه آن‌که، الگوهای مزبور در چالش معرفتی دچار شکست نظری شده و بدین خاطر کنار گذاشته شده باشند.
۵. از دو الگوی مزبور، الگوی خلافت اسلامی امکان بازآفرینی بیشتری در شرایط موجود برخوردار است. چنان‌که، از امکان نظری و عینی بیشتری برای بازآفرینی و بازتفسیرهای دموکراتیک برخوردار است. به تعبیر دیگر، خلافت اسلامی از زمینه تفسیر دموکراتیک بیشتری نسبت به تئوکراسی برخوردار است. چنان‌که، بسیاری از اندیشمندان اهل تسنن به این امر مبادرت ورزیده‌اند.

و. پیشینه تحقیق

تا جایی که این نویسنده اطلاع دارد این موضوع به صورت تطبیقی در فضای ایران، مورد بررسی قرار نگرفته است. نسبت به کارهای مستقل باید گفت پژوهش‌های محدودی مربوط به خلافت اسلامی در ادوار مختلف وجود دارد. در حالی که پژوهش‌های مستقل درباره تئوکراسی در ایران نیز بسیار محدودتر است. در ادامه به برخی پژوهش‌های مربوط به این دو موضوع یا برخی از پژوهش‌های حاوی به آنها را مورد اشاره قرار خواهیم داد:

۱. برخی پژوهش‌های معطوف به «تئوکراسی»

برخی از نمونه‌های تأمل و پژوهش به زبان فارسی درباره تئوکراسی عبارتند از:

۱. دکتر بهاء الدین بازارگاد در جلد نخست از «تاریخ فلسفه سیاسی»^۱ به نحو مبسوطی به بررسی مناسبات میان کلیسا با شاهان و امپراتوران پرداخته است. شاید بتوان گفت این کتاب که در خرداد ۱۳۳۳ش انتشار یافته است، نخستین بررسی مفصل در این زمینه را بر عهده گرفته است. این پژوهش از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

۱. بهاء الدین بازارگاد، تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۱، [کتابفروشی زوار، تهران]، خرداد ۱۳۳۳ش.